

گونه‌شناسی آرایه تخت و عناصر جلوس در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی

روح‌اله رحمانی^{۱*}، سید ابوتراب احمدپناه^۲

^۱ کارشناس ارشد صنایع دستی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
^۲ استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

چکیده

در طول تاریخ، تخت همواره مظهر قدرت و نشان مشروعیت حاکم وقت بوده که بازتاب بصری آن در نسخ خطی مصور از جمله شاهنامه تهماسبی، به خوبی هویدا است. هدف، شناسایی انواع تخت و سایر عناصر جلوس تصویر شده در شاهنامه تهماسبی عهد صفویه است. این جستار کوششی است برای پاسخ به این پرسش: آرایه‌های تخت و وسایل نشست در شاهنامه تهماسبی از منظر نوع، ساختار، فراوانی و شخصیت‌های جلوس کرده بر آن‌ها، شامل چه مواردی می‌شود؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی است. تعداد نمونه‌های آماری ۸۶ نگاره‌ای از شاهنامه تهماسبی است که حاوی دست‌کم، یک آرایه از عناصر جلوس است. نتایج حاکی است تخت، صندلی، چهارپایه و کجاوه از انواع عناصر جلوس در اثر یادشده‌اند که نگارگران اغلب، با کاربست جنبه‌های خیالی در تجسم ساختار آن‌ها و با به‌کارگیری رنگ طلایی، جنس فلز را تداعی نموده‌اند. در این بین، بیشترین فراوانی با ۷۳ مورد مختص انواع آرایه تخت است که از منظر تنوع در تزئینات و ساختار، در رتبه نخست عناصر جلوس قرار دارند. از منظر شخصیت‌ها نیز تخت فریدون به‌عنوان یک پادشاه اساطیری، بیشتر از سایرین تکرار شده است.

واژه‌های کلیدی

گونه‌شناسی، تخت، عناصر جلوس، نگاره، شاهنامه تهماسبی.

استناد: رحمانی، روح‌اله؛ احمدپناه، سید ابوتراب (۱۴۰۲)، گونه‌شناسی آرایه تخت و عناصر جلوس در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۲۸(۱)، ۵۷-۶۸.

مقدمه

ترسیم نمود. این مسئله که نگارگران این اثر، در ترسیم یک عنصر از یک نگاره یا مجلس، چه میزان واقعیت‌های ملموس پیرامونی زمان خود را با ذوق هنری و قوه خیال پیوند داده‌اند، موضوعی است که پژوهش‌هایی از این دست، می‌توانند زوایای پنهان آن را برای مخاطبان آشکارتر نمایند. تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر عنصری است مرتفع و محصول محور که قابلیت جایجایی دارد و بارگاه‌ها، خیمه‌ها و سراپرده‌ها که شخص در آن به فرض به یک پشتی تکیه داده است و شرح آن در متون نویسندگان ایرانی و عرب‌زبان نیز آمده است، ملاک ارزیابی نیست. هدف پژوهش، شناسایی انواع تخت و سایر عناصر جلوس تصویر شده در شاهنامه تهماسبی عهد صفویه، تعیین شده است. این جستار کوششی است در مسیر یافتن پاسخ به این پرسش: آرایه‌های تخت و وسایل نشستن در شاهنامه تهماسبی از منظر نوع، ساختار، فراوانی و شخصیت‌های جلوس کرده بر آن‌ها، شامل چه مواردی می‌شود؟ در روند پژوهش، ابتدا گونه شناسی ساختار محور تخت و عناصر جلوس در شاهنامه تهماسبی در دستور کار قرار می‌گیرد و تلاش شده شناختی کلی از شکل و ساختار این عناصر در شاهنامه شاه تهماسب حاصل گردد. در ادامه و با این شناخت اولیه از عناصر جلوس، نگاره‌های رزمی و بزمی از منظر شخصیت‌های تاریخی و اساطیری که بر تخت، صندلی و نظایر آن جلوس نموده‌اند، مورد کندوکاو قرار می‌گیرد.

تخت و عناصر جلوس علاوه بر ظهور در میان اربابان قدرت و صاحب‌منصبان، همواره از آرایه‌های پرتکرار در هسته مرکزی نگاره‌های نسخ خطی مصور از جمله شاهنامه‌ها بوده است. این که پادشاهان، پهلوانان و میهمانان دربار به‌ویژه در یک بازه زمانی خاص، بر چه عناصری می‌نشستند یا حمل می‌شده‌اند، زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که پس از سده‌ها، تنها نمونه‌های بسیار اندکی از آن‌ها را می‌توان در موزه‌ها مشاهده نمود. تخت سلیمان، تخت جمشید، پایتخت و واژه‌های ترکیبی نظیر این موارد در فرهنگ، جغرافیا و معماری ایرانی تا آنجایی آشنا و پرکاربردند که کم‌تر کسی است که به خود واژه «تخت» توجه می‌نماید. مسئله اصلی پژوهش که با استناد به بررسی و تحلیل یکی از پرتکرارترین نسخ خطی استوار است، پیرامون بازشناسی نوع و شکل عناصری ضروری و پرکاربرد، مانند تخت، صندلی، چهارپایه و کجاوه در عصر صفویه، به‌عنوان مرجع و زمان آفرینش شاهنامه بی‌بدیل شاه تهماسب، بنا نهاده شده است. بخش قابل توجهی از ۲۵۸ نگاره اثر یادشده، روایت بصری از داستان زندگی یک شخصیت است. شاهنامه تهماسبی که حاصل هنرمندی و تخیل زنده‌ترین نگارگران مکتب تبریز دوم است، از مهم‌ترین نمونه‌ها از منظر تعدد نگاره، نگارگر و آوازه در جهان است که با تکیه بر همین وفور آرایه‌ها، به‌خوبی می‌توان به حصول نتایجی از پیش تعیین‌شده نزدیک شد و یک دید کلی و جامع در خصوص عناصر یادشده، برای مخاطبان

روش پژوهش

شاهنامه شاه تهماسبی بر مبنای ابزارهای تحلیلی رویکرد نشانه‌شناسی» به رشته تحریر درآورده‌اند. در پژوهشی دیگر با عنوان «مطالعه تطبیقی شمعدان‌های فلزی در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی و نمونه‌های مشابه دوران اسلامی» نوشته سحر ذکاوت (۱۳۹۹)، آرایه شمعدان مورد واکاوی زیبایی‌شناختی قرار گرفته است. در مجموع تدقیق در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی توسط پژوهندگان با موضوع یک نقش، شخصیت، موضوع و مجلس، صورت پذیرفته است. از کتب لاتین مرجع نیز می‌توان از کتاب شیلا کن بای^۱ (۲۰۱۴) نام برد که نگارنده در آن، به تحلیل نگاره‌های شاهنامه تهماسبی موجود در موزه متروپولیتن نیویورک پرداخته است. همچنین استوارت کری ولش^۲ و مارتین بی. دیکسون^۳ (۱۹۸۱) اثری با نام «شاهنامه هوثن» را در دو مجلد به رشته تحریر درآورده‌اند که در آن به شناسایی نگاره‌ها و نگارگران آثار، همت گماشته‌اند. پیش از آن نیز استوارت کری ولش (۱۹۷۶) تدوین کتابی^۴ را به پایان رسانیده که از مهم‌ترین آثار مکتوب در ارتباط با شاهنامه تهماسبی تلقی می‌گردد.

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات نیز مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی است. جامعه آماری، ۲۵۸ نگاره شاهنامه تهماسبی است که در جامع‌ترین و جدیدترین کتاب به طبع رسیده از این اثر جاویدان؛ با عنوان شاهنامه شاه تهماسب (به همت عوامل موزه هنرهای معاصر تهران و سرپرستی احسان آقایی در سال ۱۴۰۰) گرد هم آمده‌اند. روش نمونه‌گیری انتخابی (گزینشی) است و تعداد نمونه آماری ۸۶ نگاره‌ای است که حاوی ۱۴۵ آرایه انواع مسند جلوس است: ۷۳ آرایه انواع تخت، ۳۵ آرایه صندلی، ۲۳ آرایه چهارپایه و ۱۴ آرایه کجاوه. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش کیفی است که این مهم، پس از احصاء عنصر تخت یا هرگونه آرایه جلوس در داستان‌های پادشاهان، پهلوانان و شخصیت‌های شاهنامه تهماسبی به سرانجام رسید. بدین منظور ترسیم خطی و بازطراحی تخت‌ها و عناصر جلوس در دستور کار قرار گرفت که این امر با استفاده از نرم افزارهای گرافیکی مانند گِول و فتوشاپ، محقق گردید.

پیشینه پژوهش

در طول زمان‌های گوناگون، غنای تصویری اثر شکوهمند شاهنامه شاه تهماسب، دلیل متقنی نزد هنرپژوهان داخلی و خارجی بوده است تا با مورد پژوهی و بنا به سلیقه و دغدغه خویش، گهری از این گنجینه بی‌پایان نصیب خود کنند. از جمله این نویسندگان که پژوهشی را با محوریت یک آرایه ملموس در کل اثر یادشده به سرانجام رسانده‌اند، می‌توان به مهدی کاظم‌پور و شیوا کاشانی ایلخچی (۱۴۰۰) اشاره نمود که مقاله‌ای را با عنوان «مطالعه نقش‌مایه‌های درفش‌های موجود در

در طول زمان‌های گوناگون، غنای تصویری اثر شکوهمند شاهنامه شاه تهماسب، دلیل متقنی نزد هنرپژوهان داخلی و خارجی بوده است تا با مورد پژوهی و بنا به سلیقه و دغدغه خویش، گهری از این گنجینه بی‌پایان نصیب خود کنند. از جمله این نویسندگان که پژوهشی را با محوریت یک آرایه ملموس در کل اثر یادشده به سرانجام رسانده‌اند، می‌توان به مهدی کاظم‌پور و شیوا کاشانی ایلخچی (۱۴۰۰) اشاره نمود که مقاله‌ای را با عنوان «مطالعه نقش‌مایه‌های درفش‌های موجود در

مسند قدرت نشست‌اند، جنسیت مرد دارند. در آغازین سال‌های هزارهٔ دوم پس از آفرینش شاهنامه، تمامی این ابتکار و رنج حکیم توس را علاوه بر پاسداشت و غنابخشی به زبان و ادب پارسی، می‌توان در یکی از پربسامدترین مراجع هنر نگارگری ایرانی یعنی شاهنامه به‌طور عام و شاهنامه تهماسبی به‌طور خاص، بازخوانی و مرور کرد.

شاهنامه شاه تهماسب

شاهنامه شاه تهماسب دربردارندهٔ معماها و ناگفته‌های بی‌شماری است (Melville, 1996, 53). این اثر را شاه اسماعیل به قصد هدیه‌دادن به فرزندش تهماسب که در آن هنگام ۹ سال سن داشت، آغاز می‌کند (Welch, 1976, 16). ولی عمر وی تا دو سال بعد، یعنی سال ۹۳۰ ه.ق. بیشتر طول نمی‌کشد و در زمان فرزندش اثری نفیس به شاهکار حکیم توس، جانی تازه از جنس رنگ و لطافت می‌بخشد. «این موضوع که تهماسب میرزا پس از فوت شاه اسماعیل، در کجا و توسط چه کسی مراقبت می‌شده است، در منابع مشخص نیست» (Mitchell, 2009, 59). از ویژگی‌های تصویری شاهنامه تهماسبی این است که هر یکی از نقاشی‌ها، به‌طور صرف کار یک هنرمند نیست (سیوری، ۱۳۷۲، ۱۲۶). اغلب هنرمندان درباری دوران، در آفرینش این اثر با یکدیگر مشارکت داشته‌اند که تعداد کمی از آن‌ها برای ما شناخته شده‌اند (Welch, 1976, 16). در نهایت امر و به همت شاه جوان هندی دوست بود که تا حدود سال ۹۴۴ ه.ق. اثری نفیس را با ۲۵۸ نگاره خلق می‌کنند. این سنت کار گروهی منتج به آفرینش اثری نفیس می‌گردد که از ویژگی‌های مکتب هرات و تبریز به‌طور هم‌زمان برخوردار است.

سرنوشت منحصره‌فرد این نسخه نفیس بعد از آفرینش آن رقم می‌خورد. آن هنگام که شاه تهماسب به دلایل سیاسی وقت، تصمیم می‌گیرد آن را به دربار سلطان سلیم دوم عثمانی هدیه کند. «نگاره‌ای از شهنشاه نامۀ سلطان سلیم خان که توسط سید لقمان به فارسی نوشته شده، در موزهٔ توپ قاپی استانبول موجود است که در آن شاه‌قلی؛ حاکم ایروان و فرستادهٔ شاه تهماسب، هدایای گران‌قدری از جمله شاهنامه تهماسبی را در ادرنه به ایشان تقدیم می‌کنند» (محمّدزاده و ظاهر، ۱۳۹۴، ۳۱). سالیان بعد، رُتشیلد آن را در پاریس خریداری می‌کند (۱۹۰۳ م). سپس به مالکیت آرثر هاتون درآمد (۱۹۵۹) (پاکباز، ۱۳۹۰، ۳۲۸). پس از کش‌وقوس‌های فراوان، به همت مرحوم حسن حبیبی در سال ۱۳۷۳ خورشیدی، نیک‌بختانه تعداد ۱۱۸ نگاره آن به موزه هنرهای معاصر بازگردانده می‌شود. به‌جز این، موزه متروپولیتن نیویورک نیز یکی دیگر از اماکن نگهداری نگاره‌های عمده این اثر فاخر، به تعداد ۷۸ نگاره است و پراکنش سایر نگاره‌ها در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی دنیاست.

تخت: تعاریف، پیشینه، نمود در شاهنامه

در فرهنگ دهخدا در شرح واژه تخت آمده است: اریکه و بدین معنی مشترک است در عربی و فارسی. محل جلوس پادشاه در هنگام سلام؛ سریر؛ اورنگ؛ جرد (۱۳۷۷، ۶۵۰۰). در فرهنگ معین نیز در توضیح واژه مسند که مترادف تخت انگاشته می‌شود، چنین آورده شده است: جایی که بر آن نشینند یا بر آن تکیه کنند؛ تکیه‌گاه (۱۳۹۰، ۱۳۱۴). از دریچهٔ هنر و معماری نیز، اصلی‌ترین عنصر در تالارهای پذیرایی کاخ‌های پادشاهی، تخت جلوس است (Mohamed, 2021, 101). در مجلد ششم دانشنامه

موسوی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مبلمان ایرانی در دورهٔ اسلامی؛ از سلجوقیان تا زندیان» کوشیده‌اند سیر تحول مبلمان ایرانی را با تمرکز بر انواع تخت و صندلی، در دوران یادشده مورد بررسی قرار دهند. ایشان در نتیجه‌گیری بیان می‌کنند که ساخت این محصولات در آن ادوار، با دیگر هنرها در شکل و تزئین از جنبه‌های مشترکی برخوردارند. فاطمه ماه‌وان و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مقالهٔ «بررسی نمادهای تصویری قرّ با تأکید بر نگاره‌های شاهنامه» جستاری را با بن‌مایهٔ قرّ در نگاره‌های شاهنامه آغاز نموده‌اند و به تشریح عنصر تخت و سریر، به‌عنوان یکی از مظاهر قرّ پادشاهی همت گماشته‌اند. از پژوهشگران خارجی نیز، کاترینا آتودرن^۵ (۱۹۸۲) در مقالهٔ «تصویر تخت‌های سلجوقی» به بررسی تخت‌های سده‌های ششم و هفتم هجری همت گماشته است. دیوید داناوان^۶ (۱۹۸۸) نیز در مقالهٔ «تحول تخت در سال‌های آغازین نقاشی ایرانی: شواهدی از جامع‌التواریخ ادینبرو» با توجه به تنوع تخت در نسخهٔ جامع‌التواریخ رشیدی، به بررسی و گونه‌شناسی این عناصر جلوس در اثر یادشده پرداخته است. در میان کتب نیز، پوپ و اکرم (۱۳۸۷) بخشی از جلد ششم کتاب سیری در هنر/ایران را که هنرهای فلزی ایرانی را مورد واکاوی قرار می‌دهد، به موضوع تخت و مسند به‌عنوان بخشی از اسباب و اثاثیه اختصاص داده‌اند. ایشان گونه‌های مختلف تخت و عناصر جلوس را بر اساس آرایه‌های تصویری و نظایر آن در طول دوران گذشته ایران از جمله صفویه، معرفی و بازگو کرده‌اند. غلامعلی حداد عادل و همکاران (۱۳۸۰) نیز در جلد ششم «دانشنامهٔ جهان اسلام» در توضیح واژه تخت، ویژگی و کاربرد آن را در دوران پیش از اسلام و پس از آن، برشمرده و به بیان میزان به‌کارگیری آن نزد حاکمان وقت پرداخته‌اند.

مبانی نظری پژوهش

شاهنامه حکیم توس

شاهنامه فردوسی حکیم در واقع مجموعه داستان‌ها و روایت‌هایی مختلف شامل اساطیر، رویدادهای تاریخی و افسانه‌هاست (طاهری قمی، ۱۳۹۶، ۵۵). حماسه‌ای است که داستان بیش از ۵۰ پادشاه را در دوران معین تا پایان سلسله ساسانی و براندازی آن به دست اعراب پیروزمند در قرن هفتم میلادی، روایت می‌کند (Lewis, 2020, 1). دارای یک طرحی بزرگ است که می‌توان همهٔ منظومه را به منزلهٔ کل یگانه، یکپارچه و اثری هنری پنداشت که تمام اجزاء از آغاز تا سرانجام، پیوندی ساختاری و اندام‌وار با یکدیگر دارند (دوست‌خواه، ۱۳۸۰، ۱۴۴). به تعبیر دیگر شاهنامه اثری اپیزودیک است؛ یعنی مجموعه‌ای از داستان‌های به نسبت مستقل که پیرامون محوری ویژه، با یکدیگر اشتراک دارند (حمیدیان، ۱۳۷۲، ۱۴۲). پیکره‌بندی رزم‌نامهٔ بی‌مثال شاهنامه به سه دورهٔ اساطیری، حماسی یا پهلوانی و تاریخی قابل تقسیم است که می‌توان سیر داستان‌های شخصیت‌های آن را به تفکیک هر دوره مورد مذاقه قرار داد. دورهٔ اساطیری از عهد کیومرث تا ظهور فریدون تداوم دارد و از پادشاهانی مانند کیومرث، هوشنگ، تهمورث و جمشید سخن رانده می‌شود. دورهٔ حماسی یا پهلوانی از قیام کاوه آهنگر تا مرگ رستم ادامه دارد و بخشی از داستان فریدون، در این قسمت مشترک است. بخش تاریخی نیز با سلطنت بهمن شروع می‌شود و در نهایت با سقوط سلسله ساسانیان پایان می‌یابد. از کیومرث تا یزگرد نیز به‌جز سه زن به نام‌های همای، پوران دخت و آرزم دخت، سایر شاهانی که در شاهنامه فردوسی بر تخت پادشاهی تکیه زده و بر فراز

در وصف صندلی پادشاه چنین می‌آورد: چهار پایه بدون تکیه‌گاهی که می‌بایست نمودار تخت باشد. پایه‌های این صندلی را با طلای ناب تزئین کرده بودند (۱۳۶۰، ۴۷). در بین هنرهای به‌کاررفته، خراطی و گره چینی چوب در تخت‌ها و عناصر جلوس عهد صفویه کم‌تر و در دوران پیشین از جمله دوره ایلخانی، به‌وفور مشاهده می‌گردد (جدول ۱، تصویر ۴). ساختار، تزئینات، نوع هنرها و جنس تصویر شده آرایه تخت در دیگر نسخ خطی مصور و نمونه تخت‌های اندک باقی مانده دوران گوناگون؛ موجود در موزه‌های داخلی و خارجی، بیانگر برخی شباهت‌ها و تفاوت‌هاست. این موضوع در سده‌های نزدیک به زمان تصویرگری نگاره‌های شاهنامه تهماسبی مانند سده نهم هجری، بیان‌کننده شباهت‌ها و در سده‌های دورتر مانند سده هشتم هجری و پیش از آن، نشان‌دهنده تفاوت‌ها در موارد یاد شده است (جدول ۱).

در این میان، نگین نگارگری این دوره یعنی شاهنامه شاه تهماسبی، با انحصار در فراوانی، تنوع و زیبایی تخت‌ها و جایگاه‌های جلوس، نمایش دل‌انگیزی از پیوند خیال و تجسم هنرمندان نگارگر را با افسانه‌های جهان‌شمول فردوسی، در معرض دید همگان قرار داده است. از میان الگوهای منسجم شروع حکومت پادشاهان در شاهنامه فردوسی، الگوی نخست «بر تخت‌نشستن» است که از دلایل مشروع و قانونی بودن چهار سلسله پادشاهی پیش‌دادی، کیانی، اشکانی و ساسانی در شاهنامه حکیم توس است. ذکر این الگو و آیین‌های برپایی آن، در میان بیش از ۵۰ پادشاه اساطیری و تاریخی مشاهده می‌شود.

در طول تاریخ‌نگارگری ایران نیز موضوع تخت و بر تخت‌نشستن در بسیاری از نسخ مصور شاهنامه تکرار شده است. «به‌طور مثال در عهد ایلخانی و به‌طور ویژه در نسخه «جامع‌التواریخ ایدینبرو» با وجود تأثیرپذیری از هنر چین، مضمون تخت و بر تخت‌نشستن با ویژگی‌های تصویرگری ایرانی مشاهده می‌شود» (Donavan, 1988, 65). آرایه تخت در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی در اماکن گوناگون و فضاهای اندرونی و بیرونی کاخ‌ها

جهان اسلام چنین آمده است: در عهد عتیق از تخت عاج سلیمان که پوشیده از زر خاص و پشت آن مدور بوده، سخن گفته شده است (حداد عادل، ۱۳۸۰، ۶۹۵). ایلامی‌ها/عیلامی‌ها در نیمه هزاره سوم پیش از مسیح، صندلی‌هایی با پشتی نرده‌ای شکل داشتند. آن‌ها شاید از این صندلی‌ها فقط در مراسم تشریفاتی به‌جای نوعی تخت استفاده می‌کردند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۲۰۵۲). این نمونه‌ها در عصر هخامنشی همراه با ریزه‌کاری‌های بیشتری تکرار می‌شوند. در تعداد اندکی از بشقاب‌های فلزی دوره ساسانی، تصاویر پادشاهانی که بر تخت نشسته‌اند مشاهده می‌شود. فراگیرترین نقوش تخت و پادشاهان نشسته بر آن، در دیگر رسانه‌ها از جمله نقش برجسته‌ها تصویر شده‌اند (Harper, 1979, 49). در این دوره است که پایه تخت‌های شبه نیمکت، با نماد حیوان‌های اساطیری ساخته می‌شدند. سبک ساسانی تا پیش از سده‌های میانی دوره اسلامی متداول بود. بنا به گفته این خلدون^۷، معاویه اولین خلیفه دوره اسلامی بود که اَبه‌جای منبر^۸ بر تخت نشست (Pedersen, 1993, 73). بعد از این، از سوی حاکمان دوران اسلامی گونه‌هایی از تخت پادشاهان پیش از اسلام در سرزمین‌های فتح‌شده مورد اقبال قرار گرفت (Turner, 1996, 784). در این میان به‌طور مثال، الگوی تخت‌های عباسی که با تأثیرپذیری از دربار امویان اسپانیا و فاطمیان مصر در غرب از یک سو و دربار آل بویه در شرق جهان اسلام از سوی دیگر، شکل گرفته بودند به‌کار گرفته می‌شد (Otto-Dorn, 1982, 151).

در عهد صفویه، وفور آثار تاریخی منقول^۹ و شاخص با موضوع تخت و عناصر جلوس به چشم نمی‌خورد و از تک‌نمونه‌های برجای‌مانده و متون مربوط به این دوران به‌ویژه سفرنامه‌ها، می‌توان از هنرهایی همچون جواهرنشانی یا مرصع‌کاری، میناکاری، مشبک‌کاری، خراطی، گره چینی چوب، نقاشی لاک و مرواریددوزی یاد نمود که در ساخت این تخت‌ها بکار رفته است. چنانچه انگلبرت کمپفر^۹ در سفرنامه خود ضمن اشاره به تخت زرین شاه‌عباس دوم در مراسم تاج‌گذاری که در وسط تالار قرار داشت،

جدول ۱- نمونه‌های موجود تخت و آرایه‌های آن در ادوار گوناگون.

			
تصویر ۳- تخت نادری عصر قاجار. موزه جواهرات ملی - تهران. مأخذ: https://dornatrip.com	تصویر ۲- تخت مرمر فتحعلی شاه قاجار. کاخ موزه گلستان - تهران. مأخذ: http://www.golestanpalace.ir	تصویر ۱- تخت اهدائی نادرشاه به سلطان محمود عثمانی. موزه توپ قاپی - استانبول. مأخذ: https://thediamondtalk.in/imperial	
			
تصویر ۷- شاه جهان بر تخت طاووس. نقاشی گورکانی. مأخذ: https://www.karipearls.com	تصویر ۶- آرایه تخت - بخشی از نگاره رضا عباسی. مکتب اصفهان مأخذ: https://www.cgie.org.ir/fa	تصویر ۵- آرایه تخت از شاهنامه بایسنقری - کاخ موزه گلستان. مأخذ: (نگارندگان).	تصویر ۴- آرایه تخت از شاهنامه کوچک ایلخانی. مأخذ: (لطیف کار و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۸).

مشاهده نمی‌گردد و به‌طور کلی محصول یا بخشی از آن که حاصل هنر خراطی چوب باشد، به چشم نمی‌خورد. نگارگر کاربست نقوش گیاهی را محدود به تذهیب، تشعیر و مواردی از این دست ننموده است و این آرایه‌های ملهم از طبیعت را در اجزاء احجام به نمایش درآمده، مانند پایه تخت‌ها مجسم نموده است. سرآرایه‌های قبه‌ای شکلی که بر بلندای پایه‌ها مشاهده می‌شود با پشتی نیم ترنج گونه انتهایی تخت، فضای قریبه‌ای را به همراه دیگر بخش‌ها ایجاد کرده است. زیرپایی سکو ماندنی شخص را به منظور بر فراز شدن و تکیه‌زدن بر تخت، یاری می‌نماید. لبه کوتاه کناری این گونه از تخت‌ها در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی به اندازه‌ای است که از کمر به بالاتر بر تخت‌نشین، از کناره‌ها نمایان است و عنصر تخت برخلاف برخی از نمونه‌ها، در هسته مرکزی و میانه نگاره ترسیم نشده است (جدول ۲).

۱-۲. تخت‌های نیمه مرتفع

بازتاب این گونه از تخت‌ها به تعداد ۲۲ عدد در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی است. این نوع از تخت‌ها بیش‌تر شش گوشه‌اند، از ارتفاعی میانه برخوردارند و از دو بخش نشیمنگاه و دیواره تشکیل شده‌اند. دیواره در اغلب موارد، کمر تا گردن شخص جلوس نموده بر تخت را پوشش می‌دهد و سر از کناره‌ها نمایان است. در پاره‌ای از موارد نیز دیواره فقط در یک سمت تخت مشاهده می‌شود و سوی دیگر، بدون دیواره کناری است. زیرپایی که شخص را در فراز شدن یاری می‌نماید، گاه به ریخت پله چندطبقه و گاه به صورت شش ضلعی تجسم شده است (جدول ۳). این گونه از تخت‌ها مانند اغلب تخت‌های شاهنامه تهماسبی از رنگ زرین یا طلایی برخوردارند. «شاه هنگام بار^{۱۱} به‌طور حتم بر تخت زر می‌نشست، چراکه نشستن بر آن نشان مشروعیت پادشاه بود» (خالقی مطلق، ۱۳۷۲، ۱۹۲). کاربرد رنگ طلایی در نگاره‌ها فقط معنای معنوی را القاء نمی‌کند، بلکه گاه به کارگیری آن در خدمت تزئین و یا ایجاد نوعی واقع‌نمایی ذوقی در تصویر

مانند باغ‌ها، کنار کوه‌ها، بیشه‌زارها و مانند آن، در انواع گوناگون به تصویر کشیده شده است.

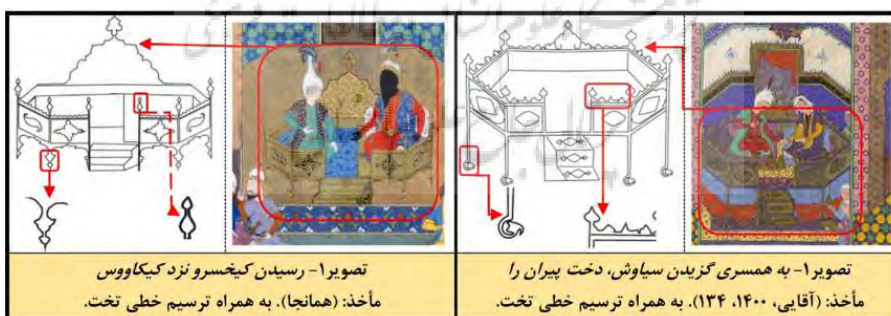
۱- گونه‌شناسی ساختار محور تخت و عناصر جلوس در شاهنامه تهماسبی

مطابق منابع مکتوب و فرهنگ‌های لغت، مترادف‌های واژه «تخت» مانند «اریکه» و «سریر» می‌تواند یکی از ملاک‌های مدنظر در تشخیص این عناصر جلوس در دنیای واقعی، به‌ویژه در سده‌های میانی هجری و پیش از آن باشد. از آنجایی که از سویی، در آرایه‌های جلوس نگاره‌های شاهنامه تهماسبی به‌طور ویژه آرایه تخت، اغلب تفوق جنبه‌های خیالی بر دنیای واقعی مشاهده می‌گردد و هدف‌گذاری اصلی پژوهش، بر تقسیم‌بندی این آرایه‌ها و نحوه تجسم آن توسط نگارگران صورت پذیرفته است نه نمونه‌های واقعی بسیار اندک برجای‌مانده، و از سوی دیگر، معانی واژه‌های مترادف «تخت»، بسیار نزدیک و شبیه به یکدیگر می‌باشند، بنابراین پس از بررسی جامع آرایه‌های تخت، عامل ارتفاع و برخورداری یا عدم برخورداری تخت از برخی بخش‌ها مانند سایبان و نظایر آن، می‌تواند ملاک قابل استنادتری برای تقسیم‌بندی ساختار محور آرایه مورد نظر باشد.

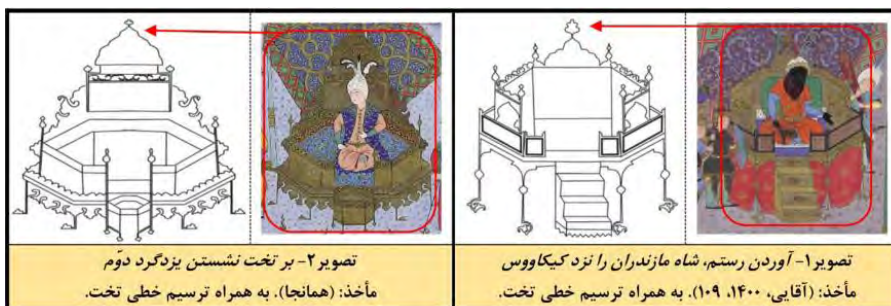
۱-۱. تخت‌های کوتاه

در آرایه این گونه از تخت‌ها که به تعداد ۸ عدد در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی قابل تمیز است، تخت از ارتفاع کمی برخوردار است و صفحه سکو ماندنی را داراست که شخص، تک یا دونفره بر آن تصویر شده است. این نوع تخت‌ها که شش گوش یا چهارگوش مجسم شده‌اند، اغلب از پایه نازکی برخوردارند که جنس فلز را تداعی می‌کند. دندان‌های کنگره‌وار و دالبری شکل، بر فراز لبه‌های کناری مسندها مشاهده می‌شود و دیواره کوتاه، منقش به نقش ترنج گونه و نظایر آن است. در این گونه تخت‌ها، طارمی‌های^{۱۰} خراطی شده که اغلب در آرایه تخت ادوار پیشین رایج است،

جدول ۲- تحلیل ساختار نمونه تخت‌های کوتاه در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی.



جدول ۳- تحلیل ساختار نمونه تخت‌های نیمه مرتفع در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی.



نیروی سودمند و آسمانی است و حال آنکه در غرب، وابسته به خدایان و ارواح جهان فرودین و مخرب و شریر به شمار می‌آید» (کوپر، ۱۳۹۲، ۳۱). اژدها با کنش‌هایی نظیر حمایت و یاریگری قهرمان و یا کارکرد افعالی‌اش در قصه‌ها، سبب شده است که دیگر نتوانیم این موجود را شریر محض بخوانیم (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۲۰).

تخت‌های سایبان‌دار: ۱۰ نمونه از این گونه تخت‌ها که ایستاترین و واقع‌گرایانه‌ترین نوع را شامل می‌شوند، در *شاهنامه* تهماسبی تجسم شده‌اند. تخت‌هایی از این دست، در تارک خود سقفی به شکل سایبان چهارگوش و یا چندضلعی دارند که به وسیلهٔ چهار ستون باریک برافراشته شده‌اند (جدول ۴، تصویر ۴). در برخی از این گونه تخت‌ها، نرده‌هایی به شکل گره چینی چوب در گرداگرد تخت مشاهده می‌شود و در مجموع ماده اولیهٔ چوب، تنها در این نوع تخت‌ها بکار رفته است و سایر نمونه‌ها، ظاهر و رویه‌ای از جنس فلز دارند. نقش انواع گره در بخش‌های گوناگون تخت از جمله قسمت زیرین نشیمنگاه مشاهده می‌شود. «گره‌ها نقوش هندسی هستند که از چیدن لتهای یا قطعات مختلف در کنار یکدیگر پدید می‌آیند» (فرقدان، ۱۳۸۹، ۵۵). انواع نقوش انتزاعی یا هندسی ملهم از گیاه، حیوان، شیء، ستاره و خورشید در بخش‌های گوناگون آرایه تخت‌ها ترسیم شده‌اند و گاه کتیبه‌ای به خط نستعلیق، ثلث و نظایر آن بر فراز تخت‌ها مشاهده می‌شود.

۱-۴. صندلی، کجاوه و چهارپایه‌ها

صندلی‌ها: این گونه از جایگاه‌ها، اغلب به منظور جلوس یک یا چند شخصیت فرعی و مدعو دربار برای مدت‌زمان کوتاه‌تر نسبت به تخت و نظایر آن، از سوی نگارگران تجسم شده‌اند. در مجموع، تعداد ۳۵ صندلی در اشکال و مقاطع متنوع همراه با نقوش و تزئینات، از وسایل جلوس شخصیت‌های فرعی مجالس *شاهنامه* تهماسبی است که در آن‌ها از مخده، تشکچه و روکش زربفت تخت‌ها خبری نیست و وسیله خالی از این موارد است. این نوع از صندلی‌ها اغلب در کناره‌ها داری نقش می‌باشند و جنسی از فلز به رنگ طلایی دارند (جدول ۵، تصویر ۱). بخش کوچکی از این گونه را می‌توان «صندلی تخت‌وار» لقب داد که جثه‌ای بین تخت و صندلی دارند. به پهنای فراخی تخت‌ها نیستند و از صندلی‌ها کمی بزرگ‌ترند. از پشت بند کوتاهی برخوردارند که کمی از سر شخص بلندتر است (جدول ۵، تصویر ۳).

چهارپایه‌ها: این عناصر ساده نیز مخصوص میهمانان دربار و شخصیت‌های فرعی مجالس می‌باشند و به تعداد ۲۳ عدد در نگاره‌ها

است (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۱، ۱۴). قاعده کلی تخت‌های مجالس *شاهنامه* تهماسبی که پادشاه و تخت وی اغلب در مرکز نگاره و اشخاص دیگر در کناره‌ها تصویر شده‌اند، در مورد این گونه از تخت‌ها نیز صدق می‌کند که البته این قاعده استثناء هم دارد.

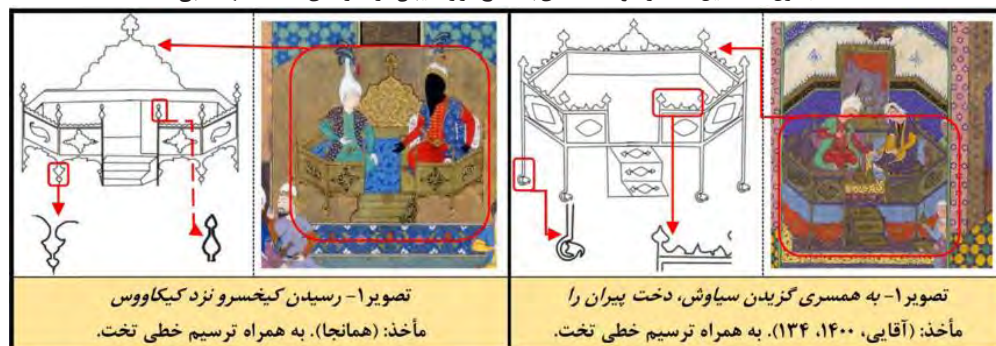
۱-۳. تخت‌های بلند

واژه بلند، پرتکرارترین صفت در توصیف تخت‌هایی است که حکیم ابوالقاسم فردوسی در *شاهنامه* به‌کار برده است. به تبع آن و با واریسی آرایه تخت در *شاهنامه* مصور شاه‌تهماسب نیز می‌توان پی برد که این گونه از تخت‌ها در میان نگاره‌های متعدد این اثر با ۴۳ مورد، فراوان‌ترین آرایه تخت است. فراخی، شکل ظاهری، وجود یا عدم وجود سقف، پایه‌های جانوری و نوع نقوش، تعدد و تنوع این گونه از تخت‌ها را منجر شده‌اند که به‌طور کلی به دو بخش زیر قابل تقسیم‌اند:

تخت‌های تاج‌دار: ۳۳ نمونه از این گونه که بلندای آن‌ها از قامت یک انسان فراتر می‌رود و ارتفاعی بین دو تا سه متر دارند، در نگاره‌های *شاهنامه* تهماسبی مشاهده می‌شود. این گونه از سه بخش نشیمنگاه در پایین، دیوارهٔ بلند در میانه و تاج یا تارک نیم ترنج‌وار در فراز، تشکیل شده‌اند (جدول ۴، تصاویر ۱ تا ۳). مخده‌ها و تشکچه‌های رنگارنگ به همراه منسوجی که گاه بخش زیرین تخت را پوشش می‌دهد، فضایی همسو با کل نگاره را سبب گردیده است. هنرمند در مواردی با کاربست یکسان رنگ‌های لاجورد، طلایی و مشکی در کتیبه‌ها و فضاهای معماری از یک سو و پیکره تخت از سویی دیگر، به نوعی به ایجاد هماهنگی در حجم و ترکیب‌بندی نگاره پرداخته است.

صور خیال به‌عنوان بخشی از ساختار ادبی *شاهنامه* فردوسی، نقطهٔ اشتراک اشعار داستان با تصویرگری آن در *شاهنامه* تهماسبی است (صدری و عصمتی، ۱۳۹۸، ۳۶). بیشترین جنبه‌های خیال‌پردازانه از سوی نگارگران *شاهنامه* تهماسبی نیز در خصوص آرایه تخت، در پایه‌های این عنصر دیده می‌شود. پایه‌های پنجه‌وار، چنگال‌گونه، شعله‌سان به شکل سر حیوان افسانه‌ای اژدها، که دو مورد اخیر یعنی شعله‌سان و اژدها در میان نگاره‌ها متداول‌تر است (جدول ۴، تصاویر ۲ و ۳). بخش زیادی از میلمان ایرانی با نقش‌مایهٔ حیوان‌های اساطیری که در مذهب و باور مردم ریشه داشت، ساخته می‌شد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۲۹). جلوه‌گری اصلی نماد اژدها در نگاره‌های *شاهنامه* تهماسبی در صحنه‌های مرتبط با نبرد پهلوانان با این جانور افسانه‌ای، سر درفش‌های جنگی، نقش پرچم‌ها و نیز پایه‌های تخت جلوس شخصیت‌هاست. «به‌طور کلی اژدها در شرق، یک

جدول ۴- تحلیل ساختار نمونه تخت‌های بلند تاج‌دار و سایبان‌دار نگاره‌های *شاهنامه* تهماسبی.



چهارزانو بر زمین نشستند و خدمه دربار اغلب ایستاده دیده می‌شوند. ویژگی‌های خاص و فردی در ترسیم برخی نگاره‌های شاهنامه تهماسبی، از سوی نگارگران مشهود است. «به‌طور مثال سلطان محمد و میرمصور بیشترین توجه خود را به خط و هماهنگی رنگ‌ها معطوف داشته‌اند و در نگاره‌ها بر نمایش جزئیاتی همچون نقوش منسوجات، نوع ظروف، سلاح‌ها و مبلمان تأکید دارند (Canby, 2014, 46). به‌طور ویژه در مورد تخت نیز، آرایه تخت‌هایی که به‌طور نمونه «عبدالوهاب» در نگاره‌های منتسب به او ترسیم نموده است، اغلب شش ضلع دارند و مرتفع دیده می‌شوند. در نگاره‌های «مظفرعلی» و «میرزاعلی» نیز تفوق گونه‌هایی از تخت‌های چهارگوش سایبان‌دار بر دیگر گونه‌ها دیده می‌شود. در مجموع می‌توان با ارائه آماری از نوع تخت‌ها و عناصر جلوس، از یک دید کلی نسبت به میزان فراوانی آن‌ها در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی برخوردار شد (نمودار ۱ و ۲).

۲- آرایه تخت در شاهنامه تهماسبی به تفکیک شخصیت‌ها

۱-۲. تخت و جایگاه جلوس پادشاهان

در شاهنامه بدعت‌هایی از قبیل اختراع، اکتشاف و برپایی رسوم و آداب و اعیاد، قراردادهای مدنی و غیره به وسیله شاهان صورت می‌گیرد (حمیدیان، ۱۳۷۲، ۱۹۴). با هدف واکاوی آرایه تخت اشخاصی که در شاهنامه تهماسبی در کسوت پادشاه مشاهده می‌شوند، باید آن را در نگاره‌های پادشاهان پیش‌دادی، کیانی، تاریخی و شاهان خارجی جست‌وجو نمود:

پادشاهان پیش‌دادی: پیشدادیان، در اوستا *para.dātā* به معنای «مقدم» و «بر سر قرار گرفته» است. نامی که بعدها بر این خاندان سلطنتی حماسی نهاده‌اند (بهار، ۱۳۷۶، ۸۵). تخت پادشاهی یکی از نمودهای قر در شاهنامه است و در این میان فریدون نیز یکی از این فرهمندان و صاحبان تخت و تاج محسوب می‌شود. «شخصیت پیروزمند فریدون موجب شد که

مشاهده می‌شوند. از دیواره پستی برخوردار نیستند و با مقاطعی همچون مربع و چندضلعی‌های منتظم و غیرمنتظم، از سایر عناصر جلوس قابل تمیز می‌باشند. دو نمونه جالب توجه آن در نگاره «رسیدن کیخسرو نزد کیکاووس» عنصری را به نمایش می‌گذارد که از اتصال لوله‌های فلزی متوازی و متقاطع تشکیل شده است (جدول ۵، تصویر ۲).

کجاوه‌ها: این عنصر که در طول تاریخ و در سرزمین‌های مختلف به منظور جابجایی افراد مورد استفاده قرار می‌گرفت، به تعداد ۱۴ نمونه در اشکال گوناگون، در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی به چشم می‌خورد. «در تمام نگاره‌های رمزی، حمل کجاوه توسط فیل انجام می‌شود که دلیل آن کاربرد و قدرت زیاد فیل‌های جنگی در صحنه نبرد می‌باشد» (نیک‌نسب و پایدارفرد، ۱۳۹۹، ۹۸). نگارگران در تجسم کجاوه‌ها کوشش نموده‌اند جنبه‌های واقع‌نمایی را لحاظ نمایند (جدول ۵، تصویر ۴). در مجموع می‌توان ادعان داشت، پادشاه به‌عنوان شخصیتی محوری و هسته مرکزی قدرت از منظر سلسله‌مراتبی و نظام طبقاتی و اغلب در مجالس بزم یا گفت‌وگو، همواره بر تخت‌هایی جلوس کرده‌اند که نسبت به سایر افراد در جایگاه رفیع‌تر مشاهده می‌شوند. اگرچه این موضوع در خصوص پادشاهان عهد صفویه؛ به‌عنوان مرجع زمانی آفرینش شاهنامه تهماسبی، گاه جنبه واقعی و بیرونی به خود نمی‌گیرد. تخت‌نشینی در میان شاهان صفوی چندان معمول نبوده و گاه در مراسم رسمی نیز بر تخت نمی‌نشستند. اولتاریوس^{۱۲} در تشریح بارعام شاه‌صفی، گفته که شاه مانند افراد عادی، چهارزانو بر تشکی ابریشمین نشسته بود (حداد عادل، ۱۳۸۰، ۶۹۷). پهلوانان که در رتبه بعدی از منظر نظام طبقاتی در شاهنامه قرار می‌گیرند، اغلب در مجالس رزم و بر فراز کجاوه‌ها تجسم شده‌اند. میهمانان درباری در مجالس گفت‌وگو با پادشاه و اغلب بر صندلی و چهارپایه مشاهده می‌شوند که از نظر ارتفاع از شخص اول مملکت؛ یعنی پادشاه در جایگاه پایین‌تری قرار گرفته‌اند. ملازمان، شاگردان، کاتبان و افراد مملکتی نظیر ایشان،

جدول ۵- تحلیل ساختار نمونه صندلی، چهارپایه، صندلی تخت‌وار و کجاوه در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی.

			
تصویر ۴- ترسیم و آرایه دو نمونه کجاوه.	تصویر ۳- ترسیم صندلی تخت وار پهلوانان در رزم.	تصویر ۲- رسیدن کیخسرو نزد کیکاووس. مأخذ: (همانجا). آرایه چهارپایه.	تصویر ۱- گفتن کیکاووس با رستم و سیاوش از بهر پذیرش هدایای افراسیاب. مأخذ: (آقایی، ۱۴۰۰، ۱۲۷). آرایه صندلی.



نمودار ۲- درصد انواع گونه‌های عناصر جلوس در شاهنامه تهماسبی.



نمودار ۱- درصد انواع آرایه تخت در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی بر اساس ساختار.

اندیشه پرواز را بر ذهن او متبادر می‌سازند، طوری که فرمان می‌دهد تختی برای وی بسازند تا به آسمان پرواز کند. تخت مربوط به این نگاره، بدون پایه جلو و بسیار کشیده و بی‌پیرایه تصویر شده است که به‌وسیله و کمک عقاب‌هایی آماده پرواز است (جدول ۷، تصویر ۳). نگارگران تخت کیکاووس با ترسیم و تجسم تخت‌هایی خیالی با پایه‌هایی که فقط در عالم رویا می‌توان دید، نهایت سعایت خویش را در رعایت تناسب مفهومی شخص و تخت بکار بسته‌اند (جدول ۷، تصاویر ۳ تا ۵). کیخسرو کیقباد نیز از جمله سایر پادشاهان کیانی محسوب می‌شوند که تخت‌های آن‌ها، از سوی نگارگران مجسم شده است (جدول ۷).

پادشاهان تاریخی: بن‌مایگان تاریخی شاهنامه، راوی دوران برخی از پادشاهان اشکانی و ساسانی است. در این بین، نویسیروان از عهد ساسانی را می‌توان با ۷ مورد از ۱۶ مورد، در جرگه زمامدارانی دانست که بیشترین آرایه تخت و مسند ایشان در شاهنامه تهماسبی به مدد قوه خیال و ذوق هنرمندان آن، به کمال ظرافت آراسته شده است (جدول ۸، تصاویر ۱ تا ۳). وی در منابع تاریخی، به‌عنوان پادشاهی دانش‌دوست و عادل معرفی شده که نگارگران مجالس در تجسم تخت وی، بیشتر جنبه واقع‌نمایی را لحاظ نموده‌اند. به‌طور مثال در نگاره «نوشتن فرمان نویسیروان حکمرانی را به عدل و داد نزد مهتران» تختی چهارگوش و سایبان دار با تناسب واقع‌گرایانه، نقوش اسلیمی و هندسی مشاهده می‌شود که در واقع بازتاب شخصیت فرد بر تخت نشسته می‌باشد (جدول ۸، تصویر ۳). بهرام گور، خسرو پرویز، یزدگرد اول و دوم، شاپو دوم، اردشیر دوم و سلطان محمود غزنوی (تنها پادشاه دوران اسلامی)، از جمله دیگر شاهان تاریخی هستند که تخت ایشان تصویر شده است (جدول ۸).

پادشاهان غیرایرانی: ۹ نگاره با محوریت پادشاهان غیرایرانی از جمله؛ سرو پادشاه یمن، قیصر پادشاه روم، شنگل پادشاه هند، افراسیاب

وی بتواند فره جم را هنگامی که از آن قهرمان سرنگون شده گریخت، به دست آورد» (هینلز، ۱۳۶۸، ۶۱). «تخت مهی»، «تخت پیروزه»، «تخت زرین» و «تخت عاج» از جمله ترکیب‌های به‌کاررفته از سوی حکیم توس، راجع به تخت فریدون است. ۹ نگاره از شاهنامه تهماسبی حاوی آرایه تخت فریدون است که اغلب از نوع تخت‌های بلند محسوب می‌شوند و از حیث فراوانی آرایه تخت، رتبه نخست را در بین تمام شخصیت‌ها دارد (جدول ۶، تصاویر ۱ تا ۲). به روایت فردوسی، جمشید پس از تهمورث، بر تخت سلطنت ۷۰۰ ساله خویش تکیه می‌زند (شاهوردی، ۱۳۹۳، ۲۵). بر تختی می‌نشست که دیوان و پریان آن را به آسمان می‌بردند (پارسزاده، ۱۳۹۵، ۱۴۱). از جمله افراد دارای فر است و تنها شاهی است که با فر کیانی، تخت خود را می‌سازد:

بقرکیسانی یکی تخت ساخت چه مایه بدو اندر نشاخت
که چسبون خواستی دیو برداشتی ز هامون بگردون برافراشتی
(فردوسی، ۱۳۸۵، ۲۳)

پُرسامدترین واژه تخت پادشاهان اسطوره‌ای ایران، به‌واسطه نام‌گذاری بر اثر باستانی پارسه (تخت جمشید)، متعلق به جمشید است. در نگاره‌ای با عنوان دربار جمشید اثر سلطان محمد، تنها تخت وی در شاهنامه تهماسبی به تصویر کشیده شده است. (جدول ۶، تصویر ۴). منوچهر با ۷ ضحاک با ۴ و نوذر با ۱ آرایه، از جمله سایر پادشاهان پیشدادی می‌باشند که در مجموع ۲۲ آرایه تخت در شاهنامه تهماسبی را به خود اختصاص می‌دهند (جدول ۶).

پادشاهان کیانی: کیانیان دومین سلسله اساطیری ایران هستند که در شاهنامه فردوسی برابر دوران حماسی قرار می‌گیرند (پارسزاده، ۱۳۹۵، ۱۵۸). از میان ۱۴ نگاره تخت این پادشاهان، کیکاووس از نظر تعدد و تنوع با ۸ آرایه رتبه نخست را دارد. شخصیتی که دیوان او را فریفته و

جدول ۶- بخشی از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی؛ حاوی آرایه تخت پادشاهان پیش‌دادی و ترسیم نمونه‌ها.

			
تصویر ۲- فرستادن منوچهر سر تور را نزد فریدون ماخذ: (همانجا). تخت فریدون.		تصویر ۱- بر تخت نشستن فریدون ماخذ: (آقایی، ۱۴۰۰، ۴۱). تخت فریدون.	
			
تصویر ۴- بارگاه جمشید ماخذ: (همانجا). تخت جمشید.		تصویر ۳- آزمودن منوچهر زال را ماخذ: (همانجا). تخت منوچهر.	
			
تصویر ۷- ترسیم تخت ضحاک.	تصویر ۶- ترسیم تخت ضحاک.	تصویر ۵- ترسیم تخت ضحاک.	

شعله‌سان در پایه‌های تخت‌ها و در مجموع شکل خیال‌پردازانه و انتزاعی بخش پایه تخت است. تخت این شخصیت‌ها اغلب از نوع تخت‌های بلند محسوب می‌شود و در مواردی عنصر تخت از زیرپایی یا سکو برخوردار نیست (جدول ۹).

۲-۲. تخت و جایگاه جلوس پهلوانان

جدول ۷- بخشی از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی؛ حاوی آرایه تخت پادشاهان کیانی و ترسیم نمونه‌ها.

			
تصویر ۲- یافتن رستم، کیقباد را بر کوه البرز مأخذ: (همانجا). تخت کیقباد.		تصویر ۱- نامه نبشتن کیخسرو به فریبرز در شمانت توس مأخذ: (آقایی، ۱۴۰۰، ۱۶۲). تخت کیخسرو.	
			
تصویر ۵- ترسیم تخت کیکاووس.	تصویر ۴- ترسیم تخت کیکاووس.	تصویر ۳- بستن عقاب‌ها بر تخت کیکاووس و رفتن او به آسمان، مأخذ: (همانجا). تخت کیکاووس.	

جدول ۸- بخشی از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی؛ حاوی آرایه تخت پادشاهان تاریخی و ترسیم نمونه‌ها.

			
تصویر ۲- بزم پنجم نوشیروان با موبدان، خردمندان و بوذرجمهر مأخذ: (همانجا). تخت نوشیروان.		تصویر ۱- پاسخ گفتن نوشیروان پرسش‌های موبد موبدان را مأخذ: (آقایی، ۱۴۰۰، ۲۶۴). تخت نوشیروان.	
			
تصویر ۶- ترسیم تخت یزدگرد اول.	تصویر ۵- ترسیم تخت بهرام گور.	تصویر ۴- ترسیم تخت یزدگرد دوم.	تصویر ۳- ترسیم تخت نوشیروان.

جدول ۹- بخشی از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی؛ حاوی آرایه تخت پادشاهان غیرایرانی و ترسیم نمونه‌ها.

					
تصویر ۳- آمدن سنگل هندی نزد خاقان به خواستاری رزم رستم، مأخذ: (همانجا). تخت خاقان چین.		تصویر ۲- هنر نمودن گشتاسب در کمانگیری نزد قیصر مأخذ: (همانجا). تخت قیصر روم.		تصویر ۱- آزمودن شاه یمن پسران فریدون را مأخذ: (آقایی، ۱۴۰۰، ۲۴). تخت سرو؛ شاه یمن.	

پادشاه توران و خاقان چین در میان نگاره‌های پر تعداد شاهنامه تهماسبی به چشم می‌خورد که هر کدام داستان و آرایه تخت مخصوص به خویش را دارا می‌باشند. در این میان شاه یمن با ۳ آرایه تخت، بیشترین نمونه‌ها را به خود اختصاص داده است و یک مورد نیز مربوط به «جهن» شاهزاده‌ای است که در شاهنامه پسر چهارم پشنگ؛ شاه توران معرفی شده است. وجه اشتراک تمامی این تخت‌ها به‌کارگیری آرایه‌های گیاهی، جانوری یا

که در شاهنامه فرزندان سام و پدر رستم است، ۴ نگاره حاوی آرایه تخت مشاهده می‌شود. در یک مورد با عنوان «بر تخت نشاندن سام، زال را به پادشاهی» نگارگر تخت را از نوع بلند سایبان دار ترسیم نموده است. این عنصر با دیواره گره چینی شده از جنس چوب و رنگ‌های لاجورد و طلایی، از سایر آرایه‌های ویژه تخت پهلوانان قابل تفکیک است (جدول ۱۰، تصویر ۳).

۲-۳. تخت و جایگاه جلوس سایر شخصیت‌ها

سفیران، نمایندگان، کاتبان، موبدان، میهمانان، حاضران مراسم درباری و فرزندان بزرگان از جمله شخصیت‌های هستند که تخت یا عناصر جلوس ایشان، در شاهنامه تهماسبی به حد کفایت ترسیم و تجسم شده‌اند. تخت‌ها تک و دونفره ترسیم شده و در مواردی محدود نیز نگارگر، تخت را خالی از نفر به تصویر کشیده است. هنرمندان، صندلی را بیشتر تکی و در مواردی دو، سه‌نفره و بیشتر تجسم کرده‌اند که حالت نیمکت به خود می‌گیرد (جدول ۱۱).

شاهنامه شناسان در روند تکامل نهادهای اساطیری شاهنامه فردوسی، پهلوانان را از شخصیت‌های تأثیرگذار خوانده‌اند. در شاهنامه تهماسبی حضور رستم، نبرده‌ترین ایشان تنها محدود به نگارینه‌های رزم نمی‌شود. «وی به‌عنوان پهلوان شاهنامه نقش محافظت از پادشاه و به‌تبع آن، جامعه را دارد» (دیویدسن، ۱۳۷۸، ۱۵۷). این حضور در بارگاه پادشاه یا در صحنه‌های مستقل و همراه با عناصری همچون تخت و عناصر جلوس است که در ساختار، گاه تفاوت‌هایی با نمونه‌های تخت پادشاهان دارند (جدول ۱۰). در مواردی چند این مسندها نسبت به تخت پادشاهان از طول و عرض کم‌تری برخوردارند و نیز تک‌نفره تجسم شده‌اند و عنصری شبیه صندلی یا مبل امروزی را تداعی می‌کنند (جدول ۱۰، تصویر ۱). همچنین برخی از این پهلوانان به دلیل حضور در صحنه‌های رزم، بر کجاوه تجسم شده‌اند. سام، رستم، زال، سیاوش، اسفندیار و فرود سیاوش از جمله افراد حماسی محسوب می‌شوند که آرایه جلوس ایشان در میان نگاره‌های اثر مورد پژوهش مشاهده می‌شود. زندگی زال که از آغاز با هویتی اسطوره‌ای آغاز می‌شود، به حماسه می‌پیوندد (مختاری، ۱۳۶۹، ۱۶). در شاهنامه تهماسبی از این اسطوره حماسی قابل احترام نزد پهلوانان

جدول ۱۰- بخشی از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی؛ حاوی آرایه تخت پهلوانان و ترسیم نمونه‌ها.

					
تصویر ۳- بر تخت نشاندن سام، زال را به پادشاهی، مأخذ: همانجا. تخت زال.	تصویر ۲- پیوستن رستم به لشکر ایران مأخذ: همانجا. تخت رستم.	تصویر ۱- دیدار سیندخت با سام مأخذ: آقایی، ۱۴۰۰، ۸۶. تخت سام.			

جدول ۱۱- بخشی از نگاره‌های شاهنامه تهماسبی؛ حاوی آرایه تخت و جایگاه جلوس سایر شخصیت‌ها به همراه ترسیم.

				
تصویر ۳- ترسیم صندلی دربار کیکاووس.	تصویر ۲- آزمودن شاه یمن پسران فریدون را مأخذ: همانجا. تخت گروهی دختران فریدون، پسران سرو.	تصویر ۱- در نعت نبی خاتم (ص) مأخذ: آقایی، ۱۴۰۰، ۲۲. تخت اشخاص مذهبی.		

نتیجه

شده مشاهده می‌گردد که این موضوع به دلیل حضور هم‌زمان چند آرایه در یک نگاره است. در میان تخت‌ها از منظر ساختار، تخت‌های بلند تاج‌دار با ۳۳ مورد و تخت‌های کوتاه با ۸ مورد، به ترتیب از بیشترین و کم‌ترین بسامد برخوردارند. از میان عناصر جلوس نیز، آرایه انواع تخت با ۷۳ مورد، بیشترین فراوانی را دارد و انواع صندلی با ۳۵، چهارپایه با ۲۳ و کجاوه با ۱۴ مورد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. هنرمندان در تجسم انواع آرایه‌های

تخت و عناصر جلوس در شاهنامه تهماسبی از منظر نوع، ساختار، فراوانی و شخصیت‌های جلوس کرده بر آن‌ها، گونه‌های متفاوت و قابل تفکیکی را شامل می‌شود. انواع تخت، صندلی، چهارپایه و کجاوه از عناصر جلوس نگاره‌های شاهنامه تهماسبی محسوب می‌شوند که با واکاوای ۲۵۸ نگاره از این اثر باشکوه، ۸۶ نگاره برخوردار از دست‌کم یک آرایه از موارد یاد شده است. در مجموع ۱۴۵ مورد انواع آرایه عناصر جلوس، در اثر یاد

از موارد نیز تخت و مسند پهلوانان نسبت به پادشاهان از عرض کم‌تری برخوردار است که این‌گونه بیشتر در مجالس رزم مشاهده می‌شود. در میان پادشاهان، فریدون؛ پادشاه پیشدادی با ۹ مورد از بیشترین آرایه تخت در میان نگاره‌ها برخوردار است و در میان پهلوانان نیز زال با ۴ مورد آرایه تخت، ویژگی مشابهی را دارد. در میان شخصیت‌های اساطیری، تخت جمشید و کیکلوس، آوازه فراتر از نگاره‌ها نسبت به سایر موارد مشابه دارند. تخت‌ها تک و دونفره ترسیم شده‌اند ولی در مواردی اندک نیز نگارگر، تخت را خالی از نفر تصویر کرده است.

تخت و هرگونه عنصر جلوس که بیشتر در مجالس بزم و گاه در صحنه‌های رزم مشاهده می‌شوند، اغلب جنبه‌های تخیلی مانند پایه‌های شعله‌سان، جانوری و گیاهی را با عناصر واقعی مانند چارچوب‌ها و پایه‌های ایستا، ترکیب نموده‌اند. نگارگران شاهنامه تهماسبی برخلاف هنرمندان نگارگر شاهنامه‌های مصور دوره‌های پیشین، اغلب در تجسم عناصر جلوس جنس فلز را با رنگ طلائی در پایه‌ها و بدنه تداعی نموده‌اند که این ویژگی با صفت پرتکرار زرین در متن اصلی شاهنامه فردوسی همسویی ماهیتی دارد. از بخش‌های محدودی که در ساختار آرایه تخت، جنس چوب القاء می‌شود، نرده گره چینی دیواره تخت‌های بلند سایبان دار است. در پاره‌ای

پی‌نوشت‌ها

نگاره شاهنامه تهماسبی، فصلنامه نگره، ۱۴ (۵۲)، ۲۵-۳۷.
طاهری قمی، سید محمد (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی عناصر نمایشی در دو نگاره از میر مصور و سلطان محمد با موضوع نبرد رخس و شیر، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۲۲ (۴)، ۶۲-۵۳.
فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۸۵)، شاهنامه؛ متن کامل بر اساس نسخه چاپ مسکو، تهران: نشر پیمان.
فرقدان، عاطفه (۱۳۸۹)، هندسه نقوش، تهران: انتشارات مبنای خرد.
کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
کوپر، جی. سی (۱۳۹۲)، فرهنگ نمادهای آیینی، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر علمی.
محمدزاده، مهدی و ظاهر، عادل (۱۳۹۴)، تأثیر شاهنامه تهماسبی در سنت شاهنامه‌نگاری عثمانی، فصلنامه نگره، ۱۰ (۳۴)، ۲۶-۳۸.
مختاری، محمد (۱۳۶۹)، اسطوره زال تیلور تضاد و وحدت در حماسه ملی، تهران: نشر آگه.

معین، محمد (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران: نشر اشجع.
موسوی، سیده مطهره؛ پورمند، حسنعلی و کریمی فرد، لیلیا (۱۳۹۹)، بررسی نقوش و سیر تحول آن‌ها در تخت‌های ایرانی دوران باستان، فصلنامه نگره، ۱۱ (۵۳)، ۱۱۵-۱۳۳.
نیک‌نسب، زینب؛ پایدارفرد، آرزو (۱۳۹۹)، شناسایی فرم، کاربرد و تزئینات کجاوه در نگارگری ایرانی دوره‌های تیموری و صفوی، دوفصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی، ۷ (۲۰)، ۸۵-۱۰۱.
هینلز، جان (۱۳۶۸)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
یوسفی، سحر؛ ایرانی، محمد؛ بیگزاده، خلیل و عزیزی فر، امیرعباس (۱۳۹۹)، انگاره‌ها، کنش‌ها و رفتارشناسی اژدها در قصه‌های ایرانی، مجله مطالعات ایرانی، ۱۹ (۳۸)، ۳۰۱-۳۲۱.

Canby, Sheila R. (2014). *The Shahnama of Shah Tahmasp: The Persian Book of Kings*, New York, Published By Metropolitan Museum of Arts.

Donavan, D. (1988). *The Evolution of The Throne in Early Persian Painting: The Evidence of The Edinburgh Jami' al-Tawarikh*, Persica. no. 13, 1-76.

Harper, Prudence Oliver (1979). *Thrones and Enthronement Scenes in Sasanian Art*, Iran, Published By: Taylor & Francis, Ltd. Vol. 17, 49-64.

Lewis, Franklin D (2020). *A Book of Kings as the King of Books: The Shahnameh of Ferdowsi*. A Companion to World Literature, Published by John Wiley & Sons, Ltd, University of Chicago USA.

1. Canby, Sheila R.
 2. Stuart Cary Welch.
 3. Martin B. Dikson.
 4. A King's Book of Kings: The Shah-nameh of Shah Tahmasp.
 5. Katharina Otto-Dorn.
 - 6: David Donovan
۷. تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس عرب در قرن هشتم هجری.
۸. اشیائی که نقل یا حمل آن‌ها از مکانی به مکان دیگر میسر است.
۹. پزشکی و جهانگرد آلمانی (۱۶۵۱-۱۷۱۶ م.) که ضمن سفر به ایران در دوره صفویه، سفرنامه‌ای را نگاشت.
۱۰. نرده؛ ستون‌های کوتاه جلوی ایوان و نظایر آن را گویند.
۱۱. بارعام؛ رسم برخی پادشاهان پیشین در جشن‌ها به همراه پذیرایی از مردم.
۱۲. پژوهشگر و جهانگرد آلمانی که در دوره صفوی به ایران سفر کرد.

فهرست منابع

- ابراهیمی پور، مریم (۱۳۹۱)، بینش فلسفی ایرانیان درباره نور و تجسم آن در هنر نگارگری، دوفصلنامه پیکره، شماره ۲، ۷-۱۷.
بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: انتشارات فکر روز.
پارسازاده، عبدالعلی (۱۳۹۵)، اسطوره‌های ایران باستان، تهران: انتشارات آرون.
پاکباز، رویین (۱۳۹۰)، دایره‌المعارف هنر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
پوپ، آرثر و اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، جلد ششم، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، ویرایش سیروس پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۰)، دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، تهران: انتشارات بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.
حمیدیان، سعید (۱۳۷۲)، درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، تهران: نشر مرکز.
خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۲)، گل رنج‌های کهن؛ برگزیده مقاله‌ها درباره شاهنامه، تهران: نشر مرکز.
دوست‌خواه، جلیل (۱۳۸۰)، حماسه ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها، تهران: نشر آگه.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
دیویدسن، الگا (۱۳۷۸)، شاعر و پهلوان در شاهنامه، ترجمه فرهاد عطایی، تهران: نشر تاریخ ایران.
سیوری، راجر (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
شاهوردی، مهوش (۱۳۹۳)، اسطوره‌های ایران زمین، تهران: انتشارات خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
صدری، مینا؛ عصمتی، حسین (۱۳۹۸)، ترجمان تصویری صور خیال در ۶

No. 13, 149-194.

Pedersen, J. (1993). *Minbar*. In *The Encyclopedia of Islam*. New Edition: Supplement (73-76). Brill Archive.

Turner, Jan (1996). *The Dictionary of Art*, Vol. 20, Macmillan Publishers Limited.

Welch, Stuart Cary (1976). *A King's Book of Kings: The Shah-nameh of Shah Tahmasp*, Publisher: Metropolitan Museum of Art, New York.

Melville, Charles (1996). *Safavid Persia*. London: I.B. Tauris & Co Ltd.

Mitchel, Colin P. (2009). *The Practice of Politics in Safavid Iran*, Tauris Academic Studies, London.

Mohamed, H. (2021). Marable Thrones in Bukhara and Samarkand from the Timurid Era to the Late Manghit Era (an Artistic Archaeological Study), *Egyptian Journal of Archeological and Restoration Studies*, vol. 11, 101-114.

Otto-Dorn, K. (1982). *Das Seldschukische Thronbild*, Persica.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Typology of Throne Motifs and the Seating Elements in the *Shahnameh* of Shah Tahmasp Images

Ruhollah Rahmani¹, Seyed Abutorab Ahmadpanah²

¹Master of Handicrafts, Department of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Art University, Tehran, Iran.

²Assistant Professor, Department of Graphics, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

(Received: 30 Aug 2022; Accepted: 26 Nov 2022)

Throughout history, the throne has always been a symbol of power and a sign of the legitimacy of the ruler of the time, which is clearly reflected in illustrated manuscripts, including *Shahnameh* of Tahmasabi. The throne and the sitting position in Tahmasbi's *Shahnameh* include different and distinguishable types from the perspective of composition and the type of characters sitting on them. The illustrated *Shahnamehs* of Hakim Ferdowsi, especially the *Shahnameh* of Shah Tahmasab, contain more motifs related to thrones and thrones than other illustrated versions, due to the nature and type of literary work. By analyzing 256 images of this magnificent work, 145 thrones and sitting postures were counted out of 86 images. The aim is to identify the types of thrones and other seating elements depicted in *Shahnameh* Tahmasabi of the Safavid era. This essay is an attempt to answer this question: What are the types, structure, abundance and the characters sitting on them of the arrays of thrones and sitting devices in *Shahnameh* Tahmasabi? The research method is descriptive-analytical and the method of collecting library-documentary information. The number of statistical samples is 86 images from Tehamasbi's *Shahnameh*, which contains at least one motif of sitting elements. The results indicate that thrones, chairs, stools, and palanquin are among the types of sitting elements mentioned in the work, which painters have often associated with the use of imaginary aspects in the visualization of their structure and the use of gold color, metal material. Painters have combined imaginative aspects such as flaming, animal and plant bases with realistic elements such as static frames and bases. This trend towards realism is more visible in the characters whose historical and real aspects are more prominent. Among the limited parts that the painter has associated with wood in the structure of the thrones, the wooden fence is the wall of the long canopied thrones. Among the thrones, from the point of view of structure, long crowned thrones with 33 cases and short platform thrones with 8 cases have

the highest and lowest frequency, respectively. Among the types of seating elements, the motif of types of thrones with 73 items is the most abundant, and the next ranks are types of chairs with 35 items, stools with 23 items, and palanquin with 14 items. In some cases, the thrones of the warriors are less wide than the kings. This species is mostly seen in battle scenes. From the perspective of the characters, Fereydoun throne as a mythological king has been repeated more than others. The king, as the main and central figure of power, always sits on thrones, which are seen in a higher position compared to other people. Among the wrestlers and braves, Zal has a similar feature with 4 flat motif items. Among the mythological characters, Persepolis and Kikavus have a reputation beyond the images compared to other similar ones. The beds are drawn with single and double people, but in a few cases, the painter has depicted the bed empty of people.

Keywords

Typology, Throne, Motif, Seating Element, *Shahnameh* of Shah Tahmasp.

Citation: Rahmani, Ruhollah; Ahmadpanah, Seyed Abutorab (2023). Typology of Throne Motifs and the Seating Elements in the *Shahnameh* of Shah Tahmasp Images, *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 28(1), 57-68. (in Persian)

